



شهید حسینی قبل دروم از راست

■ **زینب محمودی عالمی**

شهید میر حسین حسینی ۱۲اسفند ۱۳۶۵ زمانی که ۲۴ساله بود و دو کودک خردسال داشت در جبهه‌های دفاع مقدس به شهادت رسید. امنیت سررز مین، خاک، دین و ناموس برای او از جان فرزندانش عزیز تر بود. راهی جبهه ششد و در عملیات کربلای ۵ نزدیک سپاه زید عراق آسمانی شد. شهید حسینی پیش از آنکه به جبهه‌های دفاع مقدس برود، سابقه مبارزه با منافقان را داشت و در ششم بهمن ۱۳۶۰ روز حماسه مردم آمل، در جبهه نبرد با نفاق حماسه‌ها آفریده بود. آنچه می‌خوانید همکلامی مان با سیدحسن و سیدمحمد برادران و سیده زکیه دختر شهید است.

■■■■

سیدحسن حسینی

مردم آمل در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ در مبارزه با ضدانقلاب حماسه تاریخی آفریدند. حضرت امام هم در همین خصوص بیاناتی داشتند. شهید میر حسین چه نقشی در این حماسه مردمی داشت؟

اوایل پیروزی انقلاب، منافقین به آمل آمدند و به مردم و ماشین‌ها حمله کردند! برادر سمر دسته مبارزه با منافقین بود. البته ما از فعالیت‌هایش خبر نداشتیم. چند بار منافقین سه همراه چندین نفر با ماشین لندروور و اسلحه ز.۳ به خانه ما حمله کردند و دنبال میر حسین بودند. تازه آن موقع متوجه شدیم که میر حسین با منافقان درگیری‌هایی داشته است. برادرم عضو سپاه پاسداران و فرمانده گروهان در تیپ مالک اشتر بود. از سال ۵۹ و ۶۰ به جبهه رفت و آمد می‌کرد. اوایل تخریب‌چی جبهه بود و بعد به فرماندهی رسید. در جبهه گلوله به دستش اصابت کرده بود و وقتی به او می‌گفتمیم به جبهه نرو، می‌گفت شما اینجا راحت هستید، نمی‌دانید در خرمشهر چه خبر است؟ نمی‌دانید بعضی‌ها چه بر سر بچه‌های

نگاهی به شرایط جبهه‌های دفاع مقدس پس از عملیات کربلای ۵

قتل شدن جبهه جنوب و توجه به جبهه غرب

■ **علیرضا محمدی**

عملیات کربلای ۵ یک نقطه عطف در دفاع مقدس و به تعبیری این عملیات اوج جنگ بود، اما پس از انجام آن شرایط دیگری در جبهه‌ها حاکم شد که فروکش کردن آتش جنگ در جبهه مهم جنوب یکی از تبعات آن بود. آنگور که عملا در تاریخ جنگ دیدیم، کربلای ۵ آخرین عملیات بزرگ برون‌مرزی ایران بود که در جبهه‌های جنوب رخ داد. در این نوشتار به بررسی شرایط جبهه‌های جنگ پس از انجام عملیات کربلای ۵ می‌پردازیم. ■■■■

■ **از رمضان تا کربلا**

از سال ۶۱ که ایران تصمیم به ورود به خاک عراق گرفت، تمامی عملیات‌های برون‌مرزی بزرگ کشورمان در جبهه جنوب انجام شد. خصوصا از سال ۶۲ به بعد که قرار شد هر سال یک عملیات بزرگ داشته

امین‌باشارد
مقاومت

ارتباط با ما ۰۸۴۹۸۴۸۱



گفت‌وگوی «جوان» با خانواده شهید میر حسین حسینی هشتلی از شهدای دفاع مقدس

پدرم همان جایی دفن شد که پیش از شهادت نشان داده بود

بود. در مقطعی به عنوان فرمانده گروهان مالک اشتر خدمت کرد و در زمان فرماندهی‌اش هم به شهادت رسید.

برادر تان می‌گفتند که شهید در مبارزه با ضدانقلاب هم مشارکت داشتند؟

بله، شهید در طرح جنگل که سال ۶۰ بود، مشارکت داشت. ششم بهمن همان سال هم مردم آمل حماسه‌ای خلق کردند که برادرم هم سهمی در آن حماسه داشت. کیفیت مبارزه‌اش با منافقین آنقدر بالا بود که چند بار منافقین برای ترورش به منزل ما آمدند! شهید گاهی برای تأمین جانش نمی‌توانست در خانه خودش استراحت کند. موضوع مربوط به همان زمانی است که در طرح جنگل فعال بود. آن

خردسال می‌آورند! اینجا ناموس تان حفظ است و راحتید. میر حسین آن موقع متاهل بود و همسرش همبای شهید از ابتدا در سپاه و بسیج فعالیت می‌کرد.

■■■■

سیدمحمد حسینی

در خانواده چند فرزند بودید؟

ما پنج برادر و یک خواهر بودیم. شهید برادر چهارم و متولد ۱۶ شهریور ۱۳۴۱ بود. ایشان دو سال از من بزرگ‌تر و از کودکی اهل نماز و روزه بودند. سنسنش که بالاتر رفت وارد بسیج و سپاه شد و فعالیت‌های انقلابی را از همان زمان شروع کرد. اهل جبهه و جنگ

می‌رسید. همانطور که قبلاً گفته شد، ایران تا سال ۶۵ و زمان عملیات کربلای ۵ از تمام مناطق جبهه جنوب برای انجام عملیات نه یکبار که بارها استفاده کرده بود. کربلای ۵ دیگر آخرین تلاش برای ورود به خاک دشمن در جبهه جنوب بود و آن هم با تقدیم شهدای بسیار همراه شد و توان نظامی ایران را تحت الشعاع قرار داد.

■ **سرنوشت مهمم**

با قتل شدن جبهه‌های جنوب پس از کربلای ۵، جنگ سرنوشت مهممی گرفت. بنابراین سال ۶۶ ایران برای اینکه بتواند رسم انجام عملیات بزرگ سالانه را همچنان ادامه بدهد، به سراغ جبهه نه چندان مهم غرب و شمالغرب رفت و عملیات والفجر ۱۰ را در استان سلیمانیه عراق انجام داد. ورود به خاک دشمن در این استان که به هیچ وجه اهمیت بصره و العماره در جنوب را نداشت، می‌توانست پیام‌های مهم و معناداری را معیاره کند! این پیام می‌گفت که ایران پس از کربلای ۵ از انجام عملیات بزرگ در جبهه جنوب ناامید شده و صرفاً برای رف تکلیف والفجر ۱۰ را در جبهه غرب انجام داده است.

اگر کمی به عقب‌تر برگردیم، می‌بینیم که فرماندهان ارشد جنگ نسبت به انجام عملیات در جبهه غرب و شمالغرب خوشبین نبودند. بارها برخی از رزمندگان و فرماندهان قرارگاه رمضان (در غرب) و قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) (در شمالغرب) فرماندهان ارشد را به انجام عملیات بزرگ در مناطق فعالیتی خود فراخوانده بودند، اما همواره این پاسخ را دریافت می‌کردند که جبهه جنوب مهم است و ورود ما به

خیبر در هور، عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ عبور از اروند (البته با فاصله چند کیلومتری از هم) و عملیات کربلای ۵ باز هم در شلمچه انجام شدند. بنابراین در جبهه جنوب هر منطقه‌ای را که می‌شد فکرش را کرده نه یکبار که دوبار و گاه سه بار شاهد عملیات‌های بزرگ برون‌مرزی کشورمان بود. با این حساب ایران از وجب به وجب جبهه استراتژیک جنوب برای حمله و ورود به خاک دشمن بهره برده بود.

■ **نقطه عطف**

در چنین شرایطی عملیات کربلای ۵ در سراسر زمستان سال ۶۵ می‌توانست یک نقطه عطف باشد. هم از جهت طولانی شدن جنگ و هم از جهت استفاده مجدد از خاک شلمچه برای حمله به دشمن، ایران در یک موقعیت دشوار قرار گرفته بود. اگر عملیات کربلای ۴ موفقیت‌آمیز بود، ما می‌توانستیم به جنوب بصره دست پیدا کنیم و از سپاه صد هزار نفری محمد استفاده لازم را ببریم، اما چون کربلای ۴ موفق نشد، فرماندهان به خوبی می‌دانستند که تنها یک فرصت برای تعیین سرنوشت جنگ در میدان نبرد دارند. بنابراین عملیات کربلای ۵ را دو هفته بعد از کربلای ۴ انجام و تا حدود دو ماه بعد با تمام دشواری‌ها آن را ادامه دادند.

■ **بهار ۶۶**

با فرارسیدن بهار سال ۶۶ و اتمام عملیات کربلای ۵ ایران نتوانسته بود به همه اهداف عملیات کربلای ۵ دست پیدا کند. هر چند دشمن ضربات سختی خورده بود، اما حالا دیگر جبهه جنوب قفل شده به نظر

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۷۶۴

جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۶۷۶



امامزاده قاسم حسن آباد خانه کاه گلی کوچکی بود که دودر و پنجره چوبی قدیمی داشت. عکس شهدا و امام خمینی(ره) و تابلوی عکس بزرگ پدرم روی دیوار امامزاده بود که دل‌ریایی می‌کرد

رسید. می‌گفت می‌خواهم دینم را به اسلام و انقلاب اسلامی ادا کنم. ■■■■

سید زکیه حسینی

چند ساله بودید که پدرتان به شهادت رسیدند و از دلتنگی‌های یک دختر شهید بگویید؟

پدر و مادرم سال ۱۳۶۲ با هم ازدواج کردند و من سه‌عنوان اولین فرزند خانواده، سال ۱۳۴۴ به دنیا آمدم. یک سال و شش ماه داشتم که پدرم شهید شد. خواهرم هم شش ماهه بود. تنها آرزوی من دیدن پدرم بود. نه بابا گفتم و نه کفشی که پیش از شهادت برایم خریده بود را پوشیدم. دلم نمی‌خواست به کسی بابا بگویم، وقتی هم ازدواج کردم، نمی‌توانستم به پدر شوهرم بابا بگویم! وقتی پدرم شهید شد مادرم ما را زیر بال و پرش گرفت و بزرگ شدیم. مادرم حتی بچه‌های ما را هم بزرگ کرد. من و خواهرم سن‌مان نزدیک به هم بود و خواهرم نسبت به من به مادرمان وابسته‌تر بود، اما من هنوز در جست‌وجوی پدرم هستم. هر چه آدم بزرگ‌تر می‌شود، نبود پدر را بیشتر حس می‌کند. زمان کودکی‌مان وقتی بازی می‌کردیم، خواهرم با بچه‌های هم سنن و سالنش بازی می‌کرد، ولی من به مزار بابا می‌رفتم و کنار پدرم آرامش می‌گرفتم.

پیگر پدرتان کجا دفن است؟

امامزاده قاسم حسن آباد دابودشت. این امامزاده زمان کودکی‌مان خانه کاه گلی کوچکی بود که دو در و پنجره چوبی قدیمی داشت. عکس شهدا و امام خمینی(ره) و تابلوی عکس بزرگ پدرم روی دیوار امامزاده بود که دل‌ریایی می‌کرد. وقتی برای زیارت به درون امامزاده می‌رفتم آرم سپاه کنار عکس بابا با لباس پاسداری بود. من در عالم کودکی‌ام با چشمم باز می‌دیدم که از همان عکس سوز سبز به من می‌خورد. کسی که باور عمیق دینی دارد، نور حق را می‌بیند. من از همه دخترها بابایی‌تر بودم.

این دلتنگی همیشه با من بود. سالگرد بازگشت اسرا در ۲۶ مرداد هر سال، با خود می‌گفتم شاید اگر پدر من هم از زاده با جانباز بود، الان پیش ما بود. لافلاقی می‌توانستم او را ببینم. یک شب در عالم رویا دیدم پدرم آمد و باز به سپاه رفت. روی پله سپاه نشسته بود و آسمان را نگاه می‌کرد. در عالم خواب پدرم گفت کاش جای من هم پیش شهدا بود. دلم برای شهدا تنگ شده است. وقتی از خواب بیدار شدم، گفتم چرا پدرم این آرزو را کرد. دوست داشت شهید شود.

چهار خاطرهای از پدرتان نشنیده‌اید؟

پدرم خواب شهادتش را دیده بود. در خواب به او گفته بودند تا عید بیست‌تر وقت نداری. چطور می‌خواهی از دنیا بروی؟ گفته بود می‌خواهم شهید شوم و دوست ندارم در بستر بیماری از دنیا بروم. می‌گفت وقتی مردم به زیارت امامزاده می‌روند از بالای قبر من برونند. قبرش را در خواب دیده بود. صبحی که می‌خواست به جبهه برود به برادران و پدرش گفته بود اینجا قبر من است. بعد از شهادت هم همانجا دفن شد.

خاک عراق در غرب یا شمالغرب نمی‌تواند، حائز اهمیت باشد. بنابراین پذیرش انجام عملیات والفجر ۱۰ در جبهه‌های غرب باز تأکیدی بر این مهم است که فرماندهان ارشد چاره دیگری جز انجام عملیات در این منطقه نداشتند و برای اینکه جبهه‌ها وارد رکود نشود، به نچار عملیات والفجر ۱۰ را در سلیمانیه عراق انجام دادند.

به هر روی قتل شدن جنگ در جبهه جنوب یکی از تبعات انجام عملیات کربلای ۵ بود که می‌توانست تأثیر زیادی در تداوم جنگ داشته باشد. هر چند که با شروع سال ۶۷ و حملات عراق برای بازپس‌گیری مناطق از دست داده‌اش، دیگر فرصتی پیش نیامد که تبعات قتل شدن جبهه جنوب برای ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. تا اواسط سال ۶۷ جنگ به صورت کامل به اتمام رسید، یعنی هم‌روی کاغذ و پذیرش قطعنامه و هم استقرار نیروهای یونیتل در مرزها، جنگ تمام شده بود.

امام‌خمینی(ره) بارها در دوران دفاع‌مقدس اولویت اصلی کشور را جنگ می‌دانستند و روی آن تأکید داشتند. مقام معظم رهبری هم به عنوان رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی دفاع بر این نظر امام محه می‌گذاشتند و بیشترین ارتباط‌ها را با رزمندگان و جبهه‌های دفاع‌مقدس داشتند. اگر برخی از سیاستمداران و حتی برخی از نظامی‌ها فرمایش امامین انقلاب را مدنظر می‌گرفتند و حمایت‌های کافی از جبهه‌ها صورت می‌گرفت، شاید دیگر نیازی نبود که سال ۶۵ به عنوان سال سرنوشت‌ساز جنگ معرفی شود و آن همه حساسیت روی انجام دو عملیات کربلای ۴ و۵ اعمال شود.

۹	۷	۴		۹
		۶		
۶	۱	۹		
	۵		۸	
		۴	۵	
۳		۴	۷	
	۵	۳	۱	۱
۸			۳	
	۷		۹	۲
۸				۲

جدول سودوکو

ارقام ۹تارطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌سه در سه فقط یک بار به کارروند

جدول کلمات متقاطع

■ **پاسخ جدول شماره ۶۶۷۵**

۷	۵	۵	۵	۷	۳	۸	۱
۸	۷	۵	۳	۷	۱	۵	۷
۵	۱	۳	۸	۷	۵	۷	۵
۷	۳	۸	۷	۱	۵	۵	۷
۷	۳	۸	۷	۱	۵	۳	۸
۱	۵	۳	۷	۱	۵	۳	۸
۵	۷	۳	۸	۱	۵	۳	۸
۳	۵	۳	۸	۷	۱	۵	۳
۳	۵	۳	۸	۷	۱	۵	۳
۵	۷	۳	۸	۱	۵	۳	۸
۵	۷	۳	۸	۱	۵	۳	۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ل	س	ا	ی	ا	س	ا	ل	ی	ا	س	ل	ا	ل
۱	ه	ا	ر	د	ل	م	ه	س	ی	ر	و	ن	ی	ن
۲	ک	ی	و	ی	ر	د	ا	ش	د	ر	ن	ک	ی	ر
۳	ا	ب	س	ی	و	ی	ر	د	ا	ش	م	ه	ج	ر
۴	و	س	ت	س	ت	م	ع	ا	د	س	و	و		
۵	و	س	ت	ی	ا	ت	ی	ا	م	ی	ک	ی	ک	و
۶	ن	د	س	ی	و	ی	ر	د	ا	ش	ی	ر	ا	ب
۷	ی	ع	م	م	م	ع	ن	ک	ل	ر	ا	ی		
۸	م	و	ا	ز	ا	ر	م	ش	ی	ف	ر			
۹	ع	ن	ا	د	م	ن	م	ن	م	ا	ک	م		
۱۰	ی	م	ن	م	ن	م	ا	ف	ن	ک	م			
۱۱	س	ی	م	ن	م	ن	م	ا	ف	ن	ک			
۱۲	س	ا	ع	و	ش	ر	ا	ی	ف	ن	ک	س		
۱۳	س	ا	ع	و	ش	ر	ا	ی	ف	ن	ک	س		
۱۴	ا	ب	س	ی	و	ی	ر	د	ا	ش	ی	ر	ا	ب
۱۵	ا	ب	س	ی	و	ی	ر	د	ا	ش	ی	ر	ا	ب

از بالا به پایین

■ ۱- ماه تجدیدی‌ها- روحانی مسیحی که پس از یاپ بالاترین مقام را دارد ■ ۲- چهاردهمین رئیس‌جمهور لبنان- از القاب اشرف زمین دار اروپا- مهره‌ای در شطرنج ■ ۳- سلطه و نفوذ- کشتی‌گیر آماده- باد خنک- گشوده ■ ۴- اولین نت- نیاز صنف نانوا- اقیانوس کبیر ■ ۵- برداشت محصول زراعی- نشریه درون سازمانی- باهوش ■ ۶- از شهرهای استان زنجان- از بازی‌های کودکانه- مراسم ■ ۷- غذای نذری- ستاره بنات‌النعمش- بر خوردار شدن- زندان مسعود سعید سلمان ■ ۸- هنر مردان خدا- از بخش‌های شهرستان خرم‌آباد ■ ۹- آدمکشی- آوازه- نظرات- صدمتر مربع ■ ۱۰- از خانواده رنگ‌سبز- باصفا- خدای هندى ■ ۱۱- سس‌تند- شهری در ایالت تگزاس- غارتگری ■ ۱۲- پایتخت شاهرخ تیموری- از هر دو سوسو از سوره‌های قرآن است- از ویتمین‌ها ■ ۱۳- وام‌ناتمام- رود ارس- پل راه‌آهن شمال- گندم ■ ۱۴- فرشته- پیش‌نویس- رزمنده جبهه کار و تولید ■ ۱۵- تفرجگاه زیبای مشهد- نوعی موشک